

اهدا به  
آموزگاران سرزمینم

.....

روز سیاه معلم

## **بلندای شکست**

بلندای شکست هر غروری

صدای بالغ سیمای نوری

اگر در کوه اگر در دشت و دریاست

کمال جلوه فصل ظهوری

.....

کودک اندیشه

معلم راز در هر چه آهست

معلم آه دلها را گوا هست  
پناه کودک اندیشه ام اوست  
اگر چه کودکش بی سر پناه هست

.....

### قله احساس

معلم قله احساس جایست  
منم غرق تماشای صدایت  
سر، نا سر و ران بی سروپا  
نه می ارزد که گردد خاک پایت

.....

### شعله

غم تو شعله ها بر پیکرم زد  
چه آتشها که بر بال و پرم زد  
اگر چه سوختم آتش گرفتم  
هوایت بار دیگر بر سرم زد

.....

## نور کمال

دلی اینجا نمی سوزد بحالت

نمی بینم کسی را در خیالت

اگرچه روز تو شب گشته اما

جهانی روشن از نور کمال

.....

## دنیای نبرد

دلش آتشفشان هرچه درد است

دلش پامیر دنیای نبرد است

معلم در نبرد جهل و دانش

میان هرچه مردان مرد است

.....

## رهبر

معلم جز محبت را نشان نیست

معلم همنوای ناکسان نیست

نیابی رهبری چون او که هرگز

رفیق دزد و یار کاروان نیست

.....

دوای هرچه درد

تنت آئینه ها را جان معلم

دلت خورشید زر افشان معلم

به هرجایی دوای هرچه دردی

ولی دردت نشد درمان معم

.....

ظلمت اندوزی

گر از بخت سیه روزی نداری  
بنای ظلمت اندوزی نداری  
اگر عمری بسازی و بسوزی  
سر سازش به هر موزی نداری  
.....

### هما‌واز

بجای محرمی رازی ندیدی  
به درد خود هما‌وازی ندیدی  
سخن از روی باز افسانه‌ی بود  
به روی دل در بازی ندیدی  
.....

### آئینه داری

دلش فکر بهاری داره مردم  
سر آئینه داری داره مردم

دل او بهر کشف معدن عشق  
هوای کنده کاری داره مردم

.....

سراغ یاهو

سراغ منزل یاهو گرفتی

ز عطر همدلی ها بو گرفتی

صدایی گر ز نامحرم شنیدی

جوانمردانه از او رو گرفتی

.....

نورالله وثوق

5/3/1388